بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و سپاس مجرد از لباس وهم و قیاس
سزاوار حکیمی است علی الاطلاق که
عقول مجرده مانند افلاک مدوره در
بیدای معرفت ذاتش سرگردان و آبله برپا
و از ادراک صفاتش مانند نمله ان الله
تعالی ذبلتیین گویانند و صلوات
زاکیات بر اشرف کاینات که انبیا و رسل
و نفوس مقدسه و عقل کل در شفاخانه
حکمتش چون اطفال نورسیده بر ساعد
و بازو آبله کوبیده اند و روز مولود مسعودش
آتشکده فارس چون آتش از آب و نار فارسی

از شربت

از شربت عناب خاموش گردید و سلام
و تحیات طاهرات بر ولی مطلق و وصی
بر حق او که از شمشیر خونریزش علاج
اسقام کفر و ضلال شد و از تقریر بلاغت
آمیزش چشم معنوی و صوری از عمای
حصبه و جدری شک و ریب مبری
از عیب گردید و بعد
چنین علیحضرت قوی شوکت سلطان سلاطین زمان و خاقان خواقین دوران
محیی مراسم علم و فضل حقیقت آیین حلم و عدل مثال حضرت بیمثال ظل
ظلیل حضرت ذی الجلال غیث الندی غوث الوری لیث الوغا شمس
فلک سلطنت و شهریاری مرکز دایره دولت و جهانداری السلطان بن
السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان
ثالث. ناصر الدین شاه قاجار خرجه حقوق
ایده بجیشه و بعیشه و دوام یکی ارتش همت را بر این گماشته‌اند که روز
بروز کمالات تازه بروز و ظهور نماید و اسباب رفاهیت ملت و رعایا

دولت ابدمدت گشته خاصه در این اوان سعادت توأمان که وزارت
علوم و ریاست دار الشورای علیه در عهده کفایت عقل مجسم و روح
معظم قطب فضل و کمال و مرکز حشمت و جلال مخبر صادق جناب
جلالتمآب اجل اکرم **مخبر الدوله** دام مجده گردیده یکی علم را جان
و قالب کمالات را بمنزله روان است امید چنانست که آنچه قدم اول از روح
قدر از فضل و هنر و دانش خبر برای نوع انسانی ثبت و ضبط
نموده از مین رتبش کالشمس فی وسط السماء در بروز و ظهور
در بروز [illegible] چون آبله در این عهد خلق کثیری را تلف گو [illegible] نشان
برای نشد که عمل آبله کوبیدن که از خیرات جاریات است و سبب
احیای نفوس کثیره شده و منع از هلاکت و از کرامات نظر مسکنه
ترویج کنند که در تمام ممالک محروسه منتشر گشته و عموم مردم از خطرات آبله
مأمون زیند لهذا امر و مقرر فرمودند این بنده هیچمدان چند کلمه در حقیقت
آبله و فایده کوبیدن و سایر مزدومات آن بطرز فرنگیان بنویسد آنچه
مقرر دربود بمضمون المأمور معذور در رشته تحریر کشید امید مطبوع طبع
مبارک افتد و را مرتب نمودم بچهار فصل

فصل

در منافع کوبیدن آبله

منفعت کوبیدن آبله

[illegible] در این مختصر [illegible] بیان آن را [illegible] منافع [illegible] در [illegible] و سایر ممالک [illegible] آبله [illegible] خطرات آبله [illegible] جناب [illegible] در [illegible] خلق کثیری [illegible] ... [illegible] محقق [illegible] آبله [illegible] مختصر [illegible] آبله طبیعی در این رساله نگاشتم [illegible] آبله طبیعی شده از عموم [illegible] بهره‌مند [illegible]

فصل اول در آبله طبیعی و هنگامها و فرقها و علاج آن

تاریخ — یونانیان و رومیان و سلاطین انهارا قیاصره خوانند
از این مرض بکلی بیخبر بودند و ذکری از آن در کتب اطبای طب عرب مرقوم
به هم رسید در عصر حضرت ختمی مآب بود اول مرتبه این مرض باسم جدری
نوشته شد آنچه محقق است و یاماتی آن بر دقت مرتب است انستکه در قرن
دهم یعنی قریب بسنه ۹۰۰ هجری **محمد بن زکریای** رازی معروف
نموده و مفصلاً بر جمع علامات آنچه معلوم شده این مرض اول مرتبه در شرق زمین بهم
رسید بتوسط طایفه **ساراسین‌ها** تا اندازه‌ای در بقیه نقطه پس بجانب اروپا
رفته کم کم در تمام اروپا منتشر شده و بواسطه کشتیها بکلی دنیا و مجمع جزایر بحر
محیط سرایت نمود و تا آبله کوبیدن معمول نشده بود خلق کثیری از این مرض تلف
شده‌اند

مرضیست همیشه با خطر چنانکه گفته‌اند و ضرر آن بیشتر از طاعون است بجهة
اینکه قبل از اینکه آبله کاری معمول شود چنانچه یک ثلث نوع انسان از این مرض
هلاک میشدند گفتم هم در بلادی که آبله کوبی معمول نشده بلکه سدس مبتلا شده‌اند

تلف نشوند و اگر وبائی نشود ممکن است کسانی که مبتلا باین مرض نشوند ربع یا ثلث
انها بمیرند و انها هم که از این مرض خلاص شوند اکثر علیل و مبتلا بامراض خطره دیگر
از قبیل کوری و مرض چشم عاصی از علاج یا تقرح جفان و سقوط مژگان
و سیلان ریم از گوش و پاره شدن پرده صماخ و کری و امثال اینها شوند که انجام
انها هلاکت است و نیز آبله نیز بعض حالات اند در خطر آبله می اندازند
اطفال را خطر آن بیشتر از جوانان و پیران است لا اطفال بسیار صغیر که آبله
انها زیاد و سخت جاری شود تقریبا همه هلاک شوند حالت حمل نیز از خطرش
می افزاید و اگر آبله زیاد و سخت جاری باشد سبب سقوط شود و مشاهده شده طفل
سقط شده و دارای آبله است و هم دیده شده طفل متولد شده
و خود آبله یا اثر آن در تن مشاهده شده و حال اینکه مادر آن آبله نداشته
کلیتا بیشتر از یک مرتبه در تمام عمر ظاهر نشود

سبب صحیح آبله را کسی نمیداند بجهت اینکه تا بحال هرچه تفحص کرده اند آبله را که بخودی
خود بروز اینکه از سرایت عارض شده باشد نیافته اند لهذا اسباب اولیه آنرا
و سبب ظهور آبله تولید تعفنیه اند بهمین قدر مجهول است که در جمیع بلاد همه
طوایف را در هر طبقه و هر جنس و در هر هنگام از عمر که باشد بیک نهج عارض

شود و سرایت آن هم از رابطه مجاورت است و زمان سرایتش از وقت ظهور
ریم تا وقت خشکیدن و سقوط قشر است

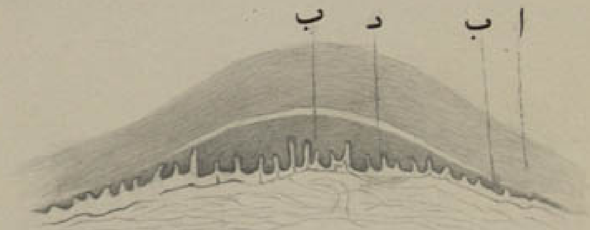
آبله از حمیات تجزریه و از امراض ساریه است که از تن توسط هوا به بدن
دیگری میرسد و متصف میشود بظهور بثرها که بعد از آنکه حرارت آن روز بتمامه ظاهر
شوند و انها در ابتدا سخت اند و بعد پر ریم و بزرگتر و محصنه ظاهر میشوند و در
وسط آن تقعیری بشکل ناف نمودار میشود و همینکه پر از ریم شد خشک شده
میشکفند و بجای انها گودالها باقی میماند که بعد از چندی اثر انها محو میشود یا بشکل مجروح شده
جای انها همیشه میماند این مرض را در رفتار و سیر منظمی است که برای آن پنج هنگام
معین نموده اند **اول** هنگام تفریخ و کمون که از وقت سرایت آبله است
تا وقتی که اثر آن اعراض ظاهر گردد مدت دوم آن از پنج و شش الی هشت
روز است و هیچ علامت مرض واضح نمیشود

دوم هنگام خذر مرض است که برابطه بعض علامات که در بعض خفیف و
در بعض شدید اند شناخته میشود در جوانان جلد قشعریره پس تب شدید و صداع
و تهوع و قی و درد کام و سیلان دمعه و عطسه و کوفتگی و درد قطن بسیار شدید
و در اطفال تب و قی و پس تغیر مزاج و درد قطن و گاهی حرکات تشنجیه و اختلاج

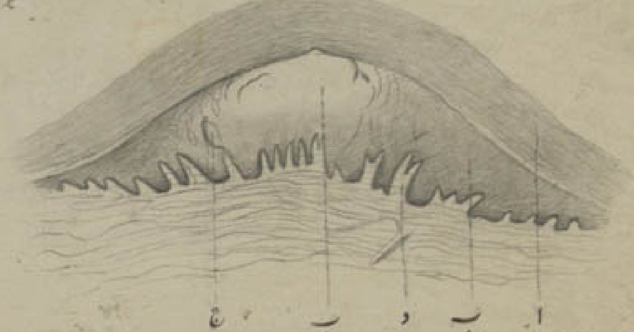
ظاهر شود

هیستم هنگام ظهور بثور است که کلیةً بسته بر آن در هر روز دیم
نار در سیم روز علامات نزار است که ابتدا در زنخ و جلد لبها بهیئت لکه‌های
عدسی اشکال سرخ و جلی ریزه‌شده‌ای میشی بنظر کهی در وسط آنها دیگر سیری
احساس شود و گاهی از نشسته از وسط آنها طاول شود بعد از آن بس در تمام بدن
و اطراف عالیه و سافله ظاهر شوند و درست روز تمام آنها ممکن است از هم
الی سه و چهار روز ناشسته بنگاه ماله سرخی در دور آنها ظاهر شده زود دی
بزرگ و مدور شوند و تغییر نافی در وسط آنها ظاهر گردد اگر شته جلی و کثیر
باشد ایالات مشابه شوند زیرا که از شدت تراکم چنان بنظر آید که پرده
سفیدی بروی تمام جلد کشیده باشد همینکه بثور است خارج شد تب تخفیف
یافته یا بکلی قطع شود عدد آنها بسیار مختلف است گاهی بقسمی زیاد که همه
بیکدیگر بسته جلی و تراکم گردند و مخصوصاً در صورت منتشر شوند و از آنجمله تفاوت
و در وی گردیده بسیار خطرناک است داغ بعد از علامات متقدمه که برای
از این جلی کمالت مرض مذکور ظاهر شده زمان کمی از آن بار زبان لخته
گشته بحال شدت نزدیک شده و بعضی در تمام بدن منتشر شود در عکس

ایند



(ش ۲) ابتدای آبله است هنوز چرک نزده ا بثره است ب غشاء مخاطی
ضخیم است که در موضع بثره است د غور بثره است



(ش ۳) آبله است بهمان حالات که چرک دارد

لیمالت که آبلهها دانه دانه و عدد آنها کم است از آن وسیلست دانه جدید کرینه
غالب محمول العاقبه و تمام نشانهای آن منتظم در فور خشک شده بریزند ☆
کُرُنیل و بثره در اینهنگام برود آنها در وسط عموماً بریده باز و همی
و چند زرد زرک نیکو شکل از آن کشیده ادلا و در قرنیست که بثره تازه خارج
شده و یمی و قرنیست بچرک اداليمالیست بدین شکل
چهارم هنگام زرد شدن بثره است جماد و قطع شده بجمیع بدن
عموماً از اینکه آبله تازه است چرک کرده و آنها پر زرد تمام شده
و جهان آنها متهیج و سرخ گشته صورت منتفخ و چشمها از بسطه ورم بخشها باز نشوند
و سرزاله زرد شود در اینهنگام است که ترکیبات امراض دیده از طرف اعضا
نفس و معاد و بنیان عصاب مرکزیه ظاهر میشود و اکثر در اینهنگام هلاک میشوند
چنانکه هذیان و سبات لیلی و تحریک شدید در دماغ و قی و اسهال شد
تحریک معاد و سرفه و تحریک در ریه از آنها است چهار کامی بسبب ورم حنجره قلب
دفعه بحرکت انقباض و انبساط قلب و توقف شدن خون در حجاب دائره کاریست
بجمیع ورم غشاء الحدرونی قلب شده و بعضی هلاک شوند
پنجم هنگام خشک شدن آبله است و علامت بثرهای آن از روز هشتم بعد از

بوده و انبات اول از صورت شروع میکند یعنی آبله مزبور دیده شده بصورت
صورت خشک شده و در اطراف بعضی تازه بچرک افتاده‌ها پر از چرک است
و بتدریج در تمام بدن پهن میشود بتدریج بیرون آمده بعد بتدریج خشک
میشود لکن بر دو قسم خشک میشود یا آبله بزرگ و وسیع شده شکافته میشود و ریم آن
خارج شده منعقد میشود دیگر آنکه بهمان قسم که بریم نشسته جزء رقیق آن
جذب شده و در آن چنین چیزی ظاهر شده که چرک نشود و کم کم فرو رفته شده
بخشکد و بعد جای آن خاکستری یا برنگ قهوه باشد در هنگام بحجم است
صورت بحیه کریه مهوعی از آن ساطع است که از تشبیه بول گربه کمتر است چون در
در این هنگام خشک است بلکه در تمام بدن و بخصوص در صورت سبب دغدغه و تحریک
جلد میشود تمدد و الم و خارش بعضی عارض میشود مریض را مجبور بخارانیدن میکند همان
سبب تقرح موضع و ماندن آثار دائمی آبله میشود اگر آبله دانه دانه باشد ممکن است
هیچ اثر آن نماند یا چند دانه با اثر کمی بماند لکن در آبله متصل اغلب موضع بدن
و بخصوص صورت تمام مجدر میشود اگر رفتار و حالت مرض طبیعی باشد انتها روز
یازدهم الی چهاردهم تماما بریزد گاهی بجای آنها قشرها ظاهر شده ریخته باز چندین
مرتبه تجدید میشود گاهی منعقد در آبله متصل بصورت یکپارچه خشک شده و در زیر آنها

انها

انها قشری ظاهر گشته و چرک بعضی خشک شده و آنها که چرک نشده همین
نشانه جذب شدن ریمست ببدن که پس از آن قوی ضعیف و بکلی
ساقط شده و مریض در گذرد و همیشه جودت و رداءت مرض مربوط بزیادتی
و کمی آبله نیست بلکه مربوط است بطبیعت خود آبله است چه دیده‌ایم که آبله متصل خوش
عاقبت بهم رسیده و علاج شده و آبله دانه دانه اسباب هلاک مریض است
در جمیع درجات عمر ممکن است که آبله ظاهر شود ولیکن اغلب در سن شباب
و طفولیت بروز میکند

علاج — بر دو قسم است یکی علاجی است که پیش از بروز باید کرد که آبله
ظاهر نشود در فصل سیم و چهارم مفصلا مذکور خواهد شد دویم علاج بعد از بروز است که حالت
آبله طبیعی بر حسب صور و کیفیات مرض مختلف میشود و فرق نمیشود دانه دانه باشد یا متصل
معرقه ملطفه و چیزی مسهله کافی در علاج آبله در ابتدای مرض و در حین تخریب خود بخود
کمی جوشانده و هم جلابی از ادویه معطره معرقه هم گرم بخورانند و در تمام هنگام مرض
اهتمام در تعدیل هوا و دور کردن از بعض حرارت و تبرید هوای اطاق کرده شده
در وقت بروز بثورات پرهیز کامل در هنگام خشک شدن تنها تقلیل در غذا
لازم است و دیگر را بیمار را با شیر و قند ... و سر و چشم و دهان

در حفظ صحت طبیعی مبتلایان بآبله
آنچه خود چندین مرتبه
تجربه کرده‌ام عرض میشود
یا پرده آوردن از چاق و تبرید هوا آن
بخصوص در وقت وزیدن بادهای سرد از در چهره
اشیاء برای آنها چه خوش است
و از بیرون آمدن آبله‌ها که چرک شده
چنانکه در متن مذکور شده ریم آنها جذب
میشود و قوی ساقط گشته هلاک میشوند و بعد
در استلا یا بر خشک سبب اسهال اکرم شده
عاقبت آن بد میشود پس چنانکه در متن معلوم است
در در حین تخریب باشند و تجمع شرایط ذکر کرده در
علاج عملی نمایند تا از
این خطرات محفوظ
شوند

دنجرین و کوشنهارا با مطبوخ یکی از ادویه لعابیه و آب کاهو شوینده برای تحریک
و تحریکی که در این مرض حادث میشود بایر از عشا تا ده قطره لودانوم را در جای شربت
خشخاش که تجویز نمایند و برای رفع اسهالی که عارض میشود فیرین در شربت
در شربت معتبر در زبالیه بر بمیند و اگر شره بکنار جنب و در دی متحمه ظاهر شود از اردوی
بایستنک جنهم بر دارند و مبتلا بمرض شدیده چشم نشوند خلقی که در این مرض
درابطه ظهور شورت در حلق عارض دود مرکه بهمین جهت تعفن دهان خناق را
مبتلا میکند باستعمال غرغره و مضمضه با ادویه قابضه با زاج و عسل که در آب حل
کنند از ازرع نمایند و نیز کلورات پطاس کمقدار در صد مثقال آب ریخته
غرغره و مضمضه کنند بسیار نافع است

فصل دویم در حمیات بثوریه شبیه بابلکه بابلکه مشتبه میشوند

حمیات بثوریه دیگر که دیگر اند مشتبه بابلکه حقیقی مذکور و مخصوص باطفال اند
و دانستن آنهارا برای تشخیص اطبا طبیعی و ضروری لازم است و جمیع اقسام آنهارا
شبه ابله خوانده اند هم مثل ابله و سایر حمیات بثوریه مسری و دارای علامات
مذکوره اند که خطر ورت نرهند و اکر آنهارا مشتبه ابله نکر نه باطفال

معالجات
کثیری که در مبحث و فرنکی
نوشته ام از قبیل داغ کردن شرناهنک
جهنم و انداختن لعوقهای زیبقیه بصورت و در موضع زیر
اعضاء دشوار فرو کردن و داغ شفع آنچه شرح کرده ام
خاک کردن که جذب بدن نشود از سبب ضماد زرنیخ
که خردل بروی آن پاشیده بشود برای نصرف آلم
در اخراج دم در حالت وجود دم در دنبال آنها چون این
رساله برای عموم نوشته میشود ذکر آن هم لازم است ...
کمال الکلام هنوز الا انها نه مقصود اکر زیج این
معالجات و غیر اکثریت آنها است نوشته و معالجه
هم که مذکور است معالجات معمولی و همه در حق
در علامات و دارد
معتبر است
شده



شکل (۳) شبه آبله ایست که چرک دارد اکثر بثور قبل شکافتن ظاهر

مکان بثره است ج حد بثره است د خود بثره است

خارج میشود و گویند این انهام تمری نیز بجهت اینکه خطری را بهمراه ندارد
در ایشان نمیآید کمتر از آبله حقیقی است تب و اعیاء و سقوط اشتها و گاهی درست
در سه روز قی علامات خفیف آنهاست اما همینکه بثورات ظاهر شده تمام
انقلابات بر طرف میشود و تب نیز در هنگام ریختن آبله ظاهر میشد
در اینها بعد از دو سه روز بعد از خشک شدن و ریختن اثری از اینها در صورت و
در بدن نمیماند و همه اینها را بواسطه شکل بثورشان که هر یک بثره بعینه
شناخته میشود از همه اینها شبیه تر با آبله حقیقی قسمی است که آنرا وارسیلید یا آبله
پرنده گویند شدت شباهت آن با آبله از سه چیز معلوم میشود اول اینکه
اگر آنرا گویند باز وارسیلید ظاهر میشود (۲) اینکه گاهی آنرا میگویند آبله حقیقی بر بدن
پیدا می آید (۳) آبله را که چند مرتبه از بدن بسبب آن دیگر میگویند که قوت آن
کمتر و قوی میگویند وارسیلید خارج میشود جمیع علامات و تشکلات آبله را میشود
و تغیرات نیز در وسط آن ظاهر میشود اما اینکه جسم در آن نیست و بثرات
آن که چرکین تر از آبله و بمانند آن از کثرت چرک متمیز میشوند هم آن از شش الی
ده تا چهار روز قبل و بعد از دو بالا شدن آبله بروز میکند و بیشتر در اشخاصی که
آبله گرفته و یا آبله طبیعی در قبه باشند ظاهر میشود شکل آبله همینکه بکمتر ظاهر

کُزُول

میگویند علامات مقدمه
وارسلید شبیه علامات آبله است
و شاید بهم نزدیکتر که این مرض بهمان شدت
که آبله روی شده جلی شده ظاهر میشود بثرهای سرخ
رنگی در روز سیم و چهارم بتدریج بروز کرده گاهی
همه قریب به فضا در تمام بدن ظاهر میشوند اما
اغلب چند بثره بترتیب در یک یا دو روز بیرون
می آیند عدد بثرها نسبت باشخاص مختلف میشود
گاهی بیشتر از ده الی صد نفیه در تمام بدن بروز
نمیکنند که در صورت و در سر بیشتر متفرق لکن
اغلب عدد اینها از صد متجاوز است هم دیده شده
که لاتعد و لاتحصی ظاهر شده و تمام بدن را
پوشیده و بسته جلی شده ولکن یک دو روز بعد
از آنکه خارج شده بهمین شکل ثابت در اینها چه
میشود روز سیم و چهارم بهمین رنگ شده و در وسط اکثر
اینها تغییراتی پیدا نمیآید و گاهی اینها را حس میکنند با انگشتان
مقاومت نمینماید و در اینها ترشح و ترشحی میشود
مایع در روز ششم تیره و کدر میشود پس از آن شروع
بخشکیدن کرده در روز هشتم و دهم خشک میشود و بریزد
و در زمانی که تب فتیله خشک شده و بریزد
بر خلاف آبله طبیعی جوش بر بدن همیشه از اینها
انتشار میشود و هیچ اثری از اینها در
بدن نمیماند مگر اینکه بتفتیش
در موضع ماند بیش از
دو سه ماه
محو میشود

شده دیگر ظاهر نمیشود و نیز قسمی دیگر از بثورات شبیه به آبله است که فرقی که با آبله دارد
شکل بثور آن مخروطی میشود هشت الی ده روز بثور هم میکند و دیگر آن قسم
دیگر است که بثورات آن از حبه مروارید قسم دیگر الفیه دانهای صغیر مسند
لکن اما اینها بسیار سخت است پس از اندک زمانی پر از چرک شده و در بعض این زرد
خشک میشود و دیگری برشته میشود نقطهای از حبه پر از رطوبت شفاف بیرنگ
یا لیموئی که در دو روز بادید خشک میشود

علاج — در جمیع اینها باید مراعات خوبی غذا و حفظ صحت و حالت
سکون نمود و در مشروب رعایت نمایند هم در تب دادن پرهیز کنند اگر خارشی در
موضع اینها باشد نشسته باشند و علاج وارد علیه رهنمای علاج داده دارند
و جیب کنند

فصل سیم در اینکولاسیون

طریقه‌ایست که با آن ماده مرض آبله را که از طریق معده میباید میتوان از راه
جلد بدن داخل میکنند نه بلکه در اوجاع عصبانیه شدیده مرفین و
اتروپین را از زیر جلد داخل میکنند فی الفور وجع تسکین می‌یابد و شرحی که درین
ماده رفت که اینها باسطوره اختراع کرده ماده که فرق که چندان بردی

طریقه
اینعمل در جاهای دیگر
از جمع اینها فرق است چنانچه
گوسفندان را در فرق این در گوسفندان و بابای غیاثی
بچه از گوسفندی که به اینها جدید بچه داده گرفته بچه اینها
کوبیده دیده اند جهت آن از اینها بعضی مرض شده اند
دفعه سیم از این جهت گوسفند هر کدام به جدید آن نسبت آن
دستور بعد از گوسفند دیگر کوبیده از اینها چیزی بعضی
مرض شده اند و گاوی لکی محبت است دفعه سیم بار ده
صد گوسفند دیگر نسبت را کوبیده اند تمام سالم و از خطر
مستخلص شده اند که از آن بیست چنانچه گاو
دیده ایم نصف بیشتر از اینها میمیرند
تمام شد

بچه گرفته به بدن کسی که در معرض ابتلای آن مرض بود میکوبیدند از عوارض ردیه
آن مستخلص میشد چنانچه امتحان در ایتالیا و در سوئیز معمول است با طرزه
نیز آنچه روی که در گوسفندان و بابای و مهلکی است از هر یک که بچه آن جدید بود
گرفته بر بسته دیگر میکوبیدند و بعد از آن دسته گرفته بر بسته دیگر میکوبیدند
مرتبه همین قسم میکوبیدند از اسباب استخلاص همه میشد و همچنین ذات الریه
مهلکی که در گاوها حادث میشد از آن میکوبیدند از اسباب استخلاص از آن میشد
و در غلبه امراض مسریه امتحان مفید باشد

در اینکولاسیون یعنی کوبیدن آبله طبیعی از انسان به انسان دیگر و تاریخ آن

در کتب معتبره مسطور است که این عمل در هندوستان و چین و افغانستان و
بعض ممالک دیگر مدتهای بعیده ذکر و جاری بوده در اروپا هیچ چیزی که معلوم از خطر
آبله زیاد میترسیدند اطبا بر این شده بودند که بوسیله تجربه که معلوم دارند از خطر آن
برهانند و قیاس کنند خطر آن را کمتر کنند تدبیری که اول در تجربه و قیاس کردند
همه مجبور شده بود تا اینکه در سنه ۱۱۵۹ مسیحی زنی لادی مونتاگو نام از اسلامبول
با انگلیس آن نقل کرد که در مملکت عثمانی رسم است که بچه را از انسانی گرفته به انسان دیگر

شرح و بسیاری از
اطبای فرنگ ... کاه هم از
[illegible]

سکوپه نیز از خطرات آن محفوظ نیست جمع کثیری حکایت کنند که به سبب اهمال
جان خود را از دست داده اند و از این رشته و در صحت اشخاص مجرب رسیده اند
پسر شش ساله بود که در ایام آبله کوبیدن بعد با همشیرگان ما آبله دختر خود را نیز
در حضور آنها کوبیده پس از چند روز که دیده خطری ظاهر شد جمع کثیری قول
کنند و بعضی شهرت می کنند و همه تجربه کنند و گفته اند بعضی که خطری نیز دارد و
با احتمال هم ممکن است منفعت داشته باشد ظاهر لکن شده و بعضی در تمام انگلستان
شایع شده لا جمعی هم بعد تصدیق از بعضی می کنند و همان سال اما لی
یکی دیگر که در ایام بعد بعضی را آموخته در دنیا بعضی داشته اند سه سال
بعد از آن در انگلیس با المانی بعضی شده ای کنند بعض اطفال بزرگان پرنس
آبله کوبیده در فرنگ در سنه ۱۷۰ اهمیت تقریبا الکلی ... در جزیره بعضی شد
اغلب منکر آن شده و بعضی هم فتوای بالحاجت کنند و نگه داشته مجری بود
سی و سه سال بعد از آن جرئت اقدام آن نمودند با وجود اینکه ای بعضی اطفال
والی ارسلان که از اعیان مملکت بود کوبیده و ضرر نکرد بعضی انکار می کنند
لیکن الان پس از آنکه از آن ضرری نرسید تمام قبول کنند با اینکه فی الحقیقه عمل
آبله گاوی را اختراع کرد بعضی کم کم ترک نمودند بجهه اینکه در بعضی چندین ضرر

ابراز

نیز است که در آبله گاوی متصور نیست بلکه در این ... آبله جدیدی را
از بعضی گرفته اند و دیگر کوبیده لهذا آبله تازه جاری رده ظاهر شده و مریم بلکه در خلق
کثیری که کوبیده شد چنین ... از بدایت بار خود آبله و بائی تنخواه لهذا کوبیدن
آبله گاوی پس از انگلستان در فرنگ و بعد در همه جا معمول عام شد

فصل چهارم در بیان تاریخ و ماهیت آبله گاوی

گاهی خود بخود در پستان گاو بثره چند ظاهر می شود از آبله گاوی حاصله لهذا پس از
چند روز بعضی در آن پدید آید که از آن مایه آبله بادوا ... که پس از آنها از آن
پستان بطور تقریب عرب ... بیان می شود کوبیده بثره خارج نمود که از آن ... [illegible]
خوانند و در این است که اگر از آن پستان کوبیده از خطر آبله طبیعی محفوظ
می مانند اگرچه قرنها بعضی معلمین بعد چنانچه اطبای هند ... از آن اگر کوبیده ... بوده که
در ایران و هندوستان و بعض ممالک دیگر معلمین بعد ... بلکه در یکی از قبایل
جابلستین ... کوبیده آبله گاوی را دیده بعد دیگر چه در قری ... چند
مرتبه دیده شده ... [illegible] ... شده
و دیگر آبله بیرون ... بجهت همین بود که در قرن اخیر در فرنگ انگلیس گفته
ممکن است آبله گاوی را با پستان کوبیده تا از شر آبله طبیعی ایمن باشند ... نمی توانند

[illegible]

انکار کنند طبیب انگلیسی ادوارد جنر نام مخترع این عمل منقش

از او بعموم مردم رسیده و جان این همه نفوس که از این اختراع بسیار نافع

محفوظ ماند در سنه ۱۲۴۶ هجری پس از آنکه مدت ده الی سیزده سال در این عمل

کمال جهد کرده بود و لا تعد و لا تحصی ملاحظات و تجربه در این کوبیدن کسی نبود که در

این مطلب کتابی نوشت که هم نیک‌نامی ابدالدهر میسر شد و بمقام رفیعی برای خود در میان مردم حرمت

و تکمیلات بیت معتبر گرد

واکسن

ماهیت آن عبارت از مایع [illegible] که طعم آن شور

و شباهت تمامی بآبی که از طول شمع [illegible] خارج شود دارد چه از پستان و چه

از انسان گرفته شود و در آن جز کمی [illegible] [illegible] قوت آن زیاد

بهتر شود [illegible] تحقیق شده و قوت آن کم شود این مایع

خواه تر و خواه خشک بسهولت در آب حل شود هر گاه آن را در روی صفحه مجلا

هر [illegible] خشک شود بدون آنکه شفافیت آن زایل گردد آن سطح

در کمال انتظام متصل شود [illegible] بر دو جزء [illegible] و اینها در

که فقط باید [illegible] و دیگر [illegible] که این [illegible] در آن [illegible]

و [illegible] آن کند [illegible] شده و مایع برود [illegible]

[illegible]

[illegible]

هیچ اثری نکند لاغر [illegible] از بدنها آبله خارج شده و جای دو [illegible] آبله

این آبله را چه از پستان و چه از انسان اخذ کرده باشند قوتش تا مدتی باقی

میماند لکن باید در حفظ آن زیاد اهتمام نمایند که ضایع نشود

در طریق اخذ و حفظ مایه آبله کوبی از گاو و یا از انسان که با آن گاو کوبیده باشند

شش هفت هشت روز پس از آبله کوبیدن [illegible] از اطفال [illegible] ساله

[illegible] چهار [illegible] که در پنج [illegible] نکنند که در کمال

قوت [illegible] در طرف آن [illegible] پاک کنند [illegible]

خارج [illegible] قطره [illegible] و اگر از انسان اخذ کنند [illegible]

[illegible] خارج شود [illegible]

[illegible] اختراع [illegible] طرف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] از شمع [illegible]

[illegible] همین [illegible]

[illegible]

و لهذا حاضر و ممکن باشد و صفحه شیشه را که بجهت مقعر شده در کوچه باشد
و شیشه مستوی السطح گرفته مایه را بوسط یکی از بهار ریخته اندکی بر روی آن که از جهه
اطراف آنرا با شمع یا چیزی چسب یا لاک محکم کنند از حرارت و برودت شدید
و از آفتاب حفظ نمایند و لدی الحاجه بکار برند اگر آنرا با شمع [illegible] نگاه دارند حفظ
کنند قوت آن چند سال باقی خواهد بود

در اختیار وقت کوبیدن آبله

آبله را در جمیع فصول و در جمیع مراتب سن میتوان کوبید الا در اطفال چند ساله
اگر آبله وبائی باشد یا در موضعی ساکن باشند که مرض وبائی یا یکی از اسباب عفونیه
و بائیه موجود باشد باید آبله را بالفاصله بعد از تولد بکوبند علی ای حال همیشه
بعد از تولد هر قدر ممکن است زودتر بهتر است در یک هفته دیگر بکوبند که بچه تا آن زمان
در [illegible] آبله مهلک نشود

در اینکه قبل از کوبیدن آبله هیچ تدبیری لازم

نیست

مکرر دیده شده اشخاصی که میخواهند آبله اطفال خودشان را بکوبند قبل از وقت بعضی
تدارکات میکنند مثل اخراج دم یا تبرید مرطوبات یا حقنه مسهل تقلیل و تغییر در غذا

با ایام

چهار صورت
برای آبله گاوی تصور است که تمام
اینها تجربه شده و خوب گفته و [illegible]
گاو بانسان از انسان بطفل و از آن گاو بطفل و از
انسان بانسان [illegible] و مایه همه از آبله گاوی
است و در این مطلب تحقیقات بسیاری شده که اسباب [illegible]
[illegible] انسان نیز [illegible]
بانسان که [illegible] در [illegible]
انسان باطفال [illegible] تجربها کرده اند [illegible]
[illegible]
[illegible]
گاو و انسان [illegible]
شده قوت آن بیشتر و بهتر میشود چنانکه [illegible]
در [illegible] سنه ۱۸۰۰ [illegible] در انگلستان گاو را
[illegible] چنین [illegible]
در [illegible]
[illegible]
[illegible]
و از آن خارج شده [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
پس معلوم میشود که آبله گاوی [illegible]
[illegible]
که [illegible]
[illegible] آبله گاوی [illegible]
که انسان [illegible]
انسان [illegible]
و در [illegible]
محفوظ است

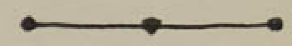
پا را نیز زیاد میکنند و این خطای بزرگی است بتجربه رسیده که این تدابیر تغییری عارض
بدن نمیشود از کوبیدن آبله نیز ممکن است چنانکه مذکور شد تغییر شدید دیگر
در بدن حادث نشود و اسباب خطر شدید نشود بهتر اینست که هیچ تدارکی
برای تعجیل نکنند و بدانند هیچ تغییر اسلوبی آبله بکوبند مگر اینکه [illegible]
مزاج فوق العاده عارض شده باشد حقنه مسهله با آب قراح نمایند

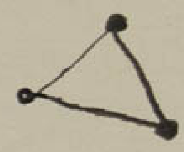
طریقه کوبیدن مایه آبله گاوی بانسان

اگر از گوساله یا از انسان میگیرند و بطوریکه ذکر شد بشیشه ریخته اند تا رطوبت
آن خارج نشود اگر از آبله میگیرند دو طرف آنرا شکسته و تا رطوبت داخل آن
کم کم بهم بریزند و از لوله دیگر یک طرف آن که نزدیک بمسامات بدمند تا مایه در
طرف دیگر آن خارج شود و نیز مخصوصی که با نیشتر است در وسط شیاری
دارد و با آن فرو بچه را دو دست و عامل با دست چپ طرف خلفی بازوی آنرا
گرفته جلدش را قدری بکشد و با دست [illegible] آبله را [illegible] موضعی که باید آبله بکوبند
که نیشتر را زیر بشره بطوری فرو کنند که خون خارج نشود پس آنرا بطور
عمق گرفته بچرخانند و با پشت نیشتر را روی آبله که از بچه مالند که آبله خوب
داخل شود و اگر آبله خشک شده باید قبل از عمل قدری آب داخل آن کنند



بهتر
اینست که بهر بازو
در یک نقطه بیشتر نکوبند [illegible]
[illegible]
بسیار مضر [illegible]
از دو نقطه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
در [illegible]
[illegible]
بسیار [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]





تا رقیق شود در موضع لاغری که مناسب کوبیدن آبله باشد خلاف کرده‌اند
بالفعل مختار همه طرف اعلای بازو و در قرب عضله دالی است که یا در سه نقطه
که در یک خط مستقیم باشند میکوبند باین شکل ـــــ یا در سه نقطه که
بشکل مثلث باشند باین طور میکوبند ▷

طریقهٔ کوبیدن مایهٔ آبله بگوساله‌ها

اول باید پهلوی گوساله که میخواهند آبله بآن بکوبند بطریقه مخصوص که تقریباً باندازه آن
باشد بتراشند که دم او از اینجا بیرون باشد که گوساله را کشید بیرون بزند و آخر
لگد پای آن آسیب نزند و نیز آنجاها محکم ببندند که سر خود را بزیر شکمش نتواند ببرد
برای کوبیدن آبله اول بیرون تخته روی تخته یک پهلو بخوابانند و دست و پای
او را محکم ببندند که بهمان هیئت بماند و نتواند حرکت کند پس آب روی شکم
آن ریخته خوب با صابون بشویند از وسط زیر شکم تا مهره های پشت یعنی یک
شق بدن و کنج ران همه را خوب تر کنند و دو باره با صابون شسته یکدفعه
دیگر بتراشند آنوقت از طرف مهره های پشت شروع کرده همه جا را که تراشیده‌اند
بعد آبله بکوبند باین طریق که روی مایهٔ آبله بلندی جوی بطوری بشکافند که پوست
بریده شده خون خارج نشود مایه را بهمان طور که ذکر شد روی نشتر کرده از

یعنی آبله
گوسفند یا گوساله
آبله کوبی چند مرض مخصوص در ...
که بعد از کوبیدن آبله آبله کوبیده را
رو نشسته مرضهای سخت نتوان می شود
باطفال مرض کوبیدن آبله لازم بود که
در سه مرتبه آبله کوبیدن او را باید محفوظ
کرد بهمان قسم است که در این قبیل
گذاشته شده چند مرتبه او را خواهش
کرد که کوبیدن آبله گوساله را این بیان
بطفره گذرانند آخر قسم بعد از آن کشته
روزی بخانه خود عودت کرد که گوساله را
در حضور حفظ نمی که در
متن مذکور است
آبله کوبیده

ولی تا آخر انکشاف نکنند و بهم نرسد برای آبله مایه خوب داخل نشود ممکن است چنانکه
خودشان هم بعضی اوقات از آبله انسان هم هر قدر بخواهند بکوبند و در دو روز قریب پستان
و زیر دست بشکل بلکه در آبله انسان ذکر شد بکوبند بعد از اتمام عمل گوساله را
رها کرده بجای خود ببندند همینکه آثار بی میلی تب و سستی بر آن ظاهر شد
و وقتی که بخارش می افتد بلکه با زبان آنها را لیسیده گاهی در روز دوم و سیم
تب شدیدی میکند چنانکه خوب از برای لیسیدن شان هم گاهی بعد از روز ششم
و هفتم و هشتم از مایه آن بر داشته حفظ کرده یا بکوبند

آثاری که بعد از کوبیدن آبله بگاو ظاهر میشوند

تقریباً همیشه در موضع نیشتر یا آبله سرخی ظاهر شده پس از چند دقیقه محو شود
و از بعد همین نشتر حکم کو که آبله گرفته با نگر و تا سه روز هیچ اثر ظاهر نشود
در آخر روز سیم یا در روز چهارم در موضعی که آبله کوبیده‌اند نقطه سرخی ظاهر شده روز
پنجم بزرگ شده خارش کند روز ششم ابتدای تغییر یافتن در وسط آن مرئی
شود که رنگ آن قدری کمرنگ تر باشد روز هفتم و هشتم بزرگتر شده هاله در اطراف آن
پدید آید و اطراف آن قدری متورم شود و کم کم از مایع پر شود روز نهم و دهم
در دهم بشتر کند و گاهی حرارت حمی با قلق و عیا عارض شود علامات در اطفال

بسیار ضعیف یا بکلی معدوم باشد الا در جوانان بالعکس حمی شدید و حرارت و صلابت
زیاد و ورم موضع وسعت استیلا که ید و غدد لمفاتیک تحت ابط متورم و با وجع تر
از آنکه در اطفال است باشد روز یازدهم بثره قدری کاهیده و از حجم بیفزود و از روز
دوازدهم ببعد شروع بخشک شدن کند تا روز بیستم و بیست و پنجم بثره خشک
شده بیفتند و جای آن گود یا بثر رفتار آبله گاوی همیشه باین نظم که بیان شد
نیست ممکن است مدت آن بیشتر و کمتر از آنچه ذکر شد باشد پس باید طبیب مضطرب
نشود و از آن حکم بر عدم انتظامهای بثره نماید و هم ممکن است چنانکه در یک
شخص آبله زنند همه یکدفعه خارج شده در رفتار انتظامی هم باشد و
بالعکس ممکن است بعضی شروع بخشک شدن کرده بیفتند و بعضی دیگر تازه بروز نمایند
کلیه در موضعی که آبله کوبیده اند بروز میکند ولی نیز نادر دیده شده که بثره در موضعی
دورتر از محل کوبیدن ظاهر شود

در علاج انها و حفظ آبله پس از کوبیدن

کسی را که آبله میکوبند هیچ تغییر عادت و علاجی لازم نیست موضع آبله را باید از پیرهن
بجامه و بچیزهای خشن حفظ کنند و اگر ورم موضع شدید باشد باید ضماد سینه
شیر زنان و خطمی و بنفشه استعمال نمایند که بعد بحبت تب عبرت و غیره چنانکه

در علاج

در علاج آبله طبیعی ذکر گردیده است بکار برند

در آبله گاوی کاذب

گاهی بعد از کوبیدن آبله بثره ظاهر میشود که در شکل و رفتار و در مدت با آبله گاوی
حقیقی تفاوت کلی میکند چه آنکه در روز دوم و سیم ظاهر میشود و تغییر مرکزی و
سرخی دور و بر و تقعر بثره حقیقی را ندارد و رنگ آن زرد است و گاه از ابتدا قصه
رطوبتی خارج میشود پس از خشکیدن علامتی در موضع میشود بر خلاف بثره حقیقی تمام آن
یکمرتبه خارج میشود چه یک بحرف منتشر میشود و جمیع شکلهای آن با سستی است
و بی تجرد و طبعی یک شده در شش بعضی روز تمام میشود آبله که بعلامات ظاهر
شود آبله کاذب است چه منع از بروز آبله طبیعی نمیکند و سبب آن کوبیدن مایه
فاسد شده یا کوبیدن شخصی است که آبله در وقعه یا آبله کوبیده باشد گاهی از کوبیدن
مایه جنبه بثره دیگر ظاهر میشود مصنفین از اطبا انگلیس نسبت آن بکوبیدن
حقیقی مثل نسبت وارئولید است با آبله و این بثره اگرچه در شکل و رفتار و مقدار
تعیین که در جوف نیست با آبله کوبیدن حقیقی تفاوت دارد و لکن قوه کوبیدن میگیرد و حفظ
از آبله طبیعی هم میکند در وقتی که آبله را اگر فقط جزئی خارج شده باشد و چاره
شده که علامات کوبیدن حقیقی نیست باید عمل را تجدید نمود بلکه گاهی لازم میشود

و چندین مرتبه عمل را مکرر کنند دیدن در جوانان و اطفال مکرر دیده شده که
میگیرند و بیرون نمی آید

در آبله گاوی جید و صاف

یعنی که ورزش خارج شود شفاف و لج و گاهی مایل بزردی است مثل اینکه دوره
میکشد آبله با شکال خارج شود از مجاورت همراه خود میخشکد و قرار است که
اثر او بر دوا انکه بخشک شد بروی جلد بچسبانند هیچ اثری نمیکند غالباً نقطه‌های
آن منظم و بیرون آن تازه و برق و ورم حول آن زیاد و با ورم و سرخی دور آن
خوش رنگ و تقعر وسط آن واضح است

در انتخاب کسی که مایه آبله از او گرفته میشود

باید مراعات سن و مزاج و مرض متقدم او شود بعضی حالات دیگر که در
بیرون قیح آبله ظاهر شود ممکن است اثری در خوب و بدی آبله داشته باشند
لاجرم آن از اطفال غالباً بهتر از جوانان است و کلیه باید معتقد شد که هر چه
زمان تولد نزدیکتر است آبله بهتر و قوی‌تر است بجهت اینکه تجربه مکرر رسیده
که گرفته از طفل که چند ماه داشته باشد مایه آبله او از جمیع بهتر و قوی‌تر از آبله
طفلی چند ساله است هر چه مزاج آن سالم و فربه و سرخ رنگ است

بهتر از

لطف و قوی
در هاتش
باشد آبله دیده شده آبله شود
مجروح شده و رعشت بر آن و عنب
شده از آن تجربی است که با وجود اینکه خون کمی
که از موضع گزیدن بیرون می آید تا مدتی از خارج
می شود میکند و نمود گشته هر گاه آن موضع شریف
العضو بگرد بشوید و حک کنند که جریان خون رجوع
شود باید خارج نشود و خود بخود آبله بیرون آید
و قسمتی آبله میگیرند چه بعد روز و چه چند روز بعد
از آن طبیب از اینکه طفل را بشوید با حمام برند موضع
ملکه میشود بیطور که شاگرد مهتر قروسو
ضعیف و بعد با تفعل را بس معلمیت و بالای سینه
تر مراحت معلوم کرده این تجربه احتیاط بجا نمیدید
چه بشوید و حمام بیبرد تفاوت نمیکند ابدا که اینجا ثبت
اینطلب است طفل را آبله گزیده بخود موضع آنرا
بست و بعد بقوت تمام بمالید و در شست
پس بعد چیزی آبله بیرون هیچ نشست بعد از آنکه
آنها بیرون می آمدند تفاوت آنها بد است بهتر و
داغهای آن بیشتر بود و داغهای بدست تجربه آنها
و بعضی هم بیرون می آید بی تجربه و از طفل
که همه این قسم تفاوت شده دست نشسته
بهتر است شستن مهتر قروسو به طبیعه
قرار است تعقیب از اطراف در داخل او در قول
کوشیدن کنتی قاسمی پس از آنکه آبله
موضع را بشوید و خون داغ آنهم
و باز آبله بیرون آمده
ثبت

کرزول
چندین تعقیب پنبه
باید آبله از اشخاصی که مبتلا بمرض سیری
باشند نگیرند بیرون از کسی و یکی از آنها مبتلا بود
الاً در اطفال خیال میکنند و اطفال را محمول است که آبله
بدی که در اشخاص مریض گرفته باشند نگیرند باید
کاری حالات و اقسام مختلف مراودت و مایه که میگیرند
چه از اطفال قوی و چه از اطفال ضعیف تا کسی مبتلا
کرده خنازیر و سل نباشند نگیرند
یکسان است عقیده معتقد است که اگر مایه از اطفال
قوی بگیرند بهتر است که از اطفال ضعیف بگیرند
چه اثر و قوت آن زیادتر تمام میشود و سرایت میکند
گاهی آفت سرایت میکند بجهت اینکه وقت
کوبیدن بیشتر زیاد فرو میبرند و خون خارج میشود
سبب سرایت میشود و لذا کرده جلد
نیشتر بیشتر فرو نکنند هم
سرایت نکند

در قسم حروف

خود یافت و دیده و تجربه طفل را دیدم
که در آنها آبله گزیده بعد علت سل زرده
زخم گرفتن شده بود و بیشتر پیشرفت کرده زخم آنها
خون بیرون آمده تا آنها هم زخم شده بعید
مایل زردی بیرون می آمد و بچه کمال خشک
میشود و بار دیگر در جای دیگر بیرون آورد در قروسو
هم برای اثبات این مطلب چند مرض اطفال مینماید
بنابراین قول کمبرلک صحیح
است

بهتر از کسی است که لاغر و زرد و با پژمرده رنگ باشد بجهت اینکه آبله او ورم و تحدب آن
کم است و حول آن کم ورم میکند و سرخ تیره رنگی میشود و بسیار زود خشک میکند و گاهی
بسیار کوچک و ضعیف بیرون می‌آید که لابد باید از آن ترک کنند باید
زیاد تجسس در مرض متقدم او نمود و بخصوص در اینکه خود و پدر و مادر او گرفتار
زهر سیاه نباشند چه محقق شده است که اگر مایه را از شخص گرفتار نمره بخصوص بد
ضرر اینکه از آفت آبله خارج شود چنانکه خود مکرر دیده‌ام که آفت آن سرایت
میکند در بعضی بصورت دیگر بی‌تاب و بعضی نقطه‌های معمولی خود بلند میشد پس از آن
در نمره علامات آفت ظاهر شده متقرح و اطراف آن متصل میشود پس
از چندی آن مرض و علامات آفت در بدن بروز کرده پس باید برقت
تمام از کسی که هیچ احتمال آفت در او نباشد بگیرند گاهی در بعضی اطفال
که بعد از آنها مبتلا بکوفت بجهت اینکه مرض مخفی مینماید و در اواسط گزیدن آبله علامت
تغییری که در بدن شود بروز میکند و بعد از آن طبیب باید متوجه

در اینکه در کدام یک از هنگامهای واکسین باید مایه را اخذ کرد

هر قدر زودتر و نزدیکتر زمان بروز نمره آبله مایه گرفته شود بهتر و قوی‌تر است

بیشتر است حتی اینکه شروع بکوبیدن اگر ممکن شود خوب است روز پنجم اخذ نمایند
که آبله را از کسی بیرون آن بیرون می آید بزرگتر و درم حوالی آن بیشتر است و زمان
رفتن آن بیشتر طول میکشد و بسیار قوی میشود بیشتر به یکی از اطبای
و در این مطلب تجربه زیاد که بعد از هفتم و بعضی بیشتر که اگر کسی بخواهد آبله بسیار خوب
و قوی بکوبد باید قبل بکوبد چرک تازه ظاهر شده و سفید نشده باشد نهایت
نهایت باید آن کمتر از هشتم گرفته شود اما قوت آن از هر آبله که بعد از آن
بگیرند بیشتر و اثر آن بهتر است

در بیان اینکه آبله گاوی بکدام هنگام کوبید مانع از بروز آبله طبیعی میشود

در این مطلب آراء مختلف است بعضی بر آن شده اند که در روز دهم بعد از زمانی که گمان میکنند
دریم جذب شده تمام بدن از که این تاثیر را میکند اعتقاد بعضی این است که
در استحکام کمتر است که این خاصیت را دارد و چنان میپندارند که خارج
میشود از عوارض سرایت این مادّه آبله بیرون نشود است و بیرون از دریم و چهارم
بالاتر نمیرود و بعضی دیگر گفته اند ممکن است که اثر هم ظاهر نشود و همان حالت
حیات تبی که از روز دریم الی هشتم ظاهر میشود فقط از عوارض علامت و نشان اینکه

و هر بقاعده بیرون آمده باشد سبب حفظ از آبله طبیعی میشود این اعتقاد که با تجربه
متعدد رسیده و بقبول علما نیز شده باشد و در تحقیقه شکی است قبول
کردن اینکه مادّه آبله گاوی تا چند قبل از روز ششم مانع بروز آبله طبیعی گردد

در تکرار مادّه آبله گاوی

در ممالک شمالیه چندین دفعه ملاحظه شده که کسانی که آبله را بعد از آنکه به
بعد همینکه آبله طبیعی وبائی میشده دوباره مبتلا به آبله میشدند که آبله آشکار است
آبله کسی چه صحیح کوبیده بود میشده و کم کم در دو زمان هم این ملاحظه را کرده متمادی
شده این بود که اطبا حکم کردند باید دوباره آبله کوبند و در مجمع اطبا هم این مطلب
عنوان شده همگی قبول کردند جمیع مصنفین در اینکه مادّه آبله را باید تجدید کرد
متفق اند الا اینکه در چه وقت و در چه درجه از سن باید اینعمل را تجدید نمود اختلاف
کرده اند بعضی گفته اند همینکه آبله در مملکتی وبائی میشود باید در میان سال هشتم و نهم و
بعد از آن در سال چهاردهم تا بیست و هشتم بکوبند چون اینعمل ضرری ندارد بهتر اینکه عمل
بنمایند میگویند نهایت بهتر است که هر وقت خوف سرایت شد بکوبند اگر
چه زیاد هم بس شده نشده چنانکه دیده ام در اشخاص تمام ساله کوبیده اند
دوباره بیرون آمده گفته اند در این مطلب بسیار است بهتر است طریقه را که

متأخرین احتیاط کرده‌اند معمول داشته‌اند و آن این است که هر دو سه ماه یک مرتبه
تجدید آبله کوبیدن آبله کنند اگر بچه‌ها نه زیاد احتیاط کرده‌اند هر وقت هم وبای
شیوع بکند چرا که علاجش مشکل است در جهت چند بار بزنند

در اینکه از آبله هر کس بزرگ شد ابداً ضرری بحال او ندارد

بعضی زنها که معتقدند از اینکه از اطفال آنها مایه آبله بگیرند از خوف اینکه
شاید ضرری بانها برسد مضایقه میکنند و ترس آنکه اطفالشان بجوزد باید بانها
فهمانیده و هر قدر از آن مایه بگیرند اگرچه بطوری شود خون از موضع جاری شود
مرقی تجارب متعددی که لا یعد و لا یحصی شده نه از آن کم میشود نه جای آن
میماند نه ضرر دیگر بر آن مترتب است بجهة اینکه آبله وقت بر ضعیف است که از عدم
شدن آن در اینها از آن کم شود بلکه مقصود از آن همان است که تمام بدن نفوذ کرده
سبب تب بسیار عرض تخلیات آبله‌ها را بر دهند با بهانه فوق تمکنید از خود اکاملا
تمام بدن برسانید که پس مرتبه باید پدر و مادر اینها مضایقه از آن نکنند و
نیز در سایر ممالک خودشان سعی شده که از آنها مایه بردهند که نفعی از آن
به سایر مجمع هم برسد و این عمل خیر عمومیت بهم کنند باید رساله با تمام بطلب ختم نمائیم

که خاتمه آن بتجربه است قد تم بید مؤلفه علی الهمدانی
فی یوم الجمعة ۲۸ محرم الحرام سنة ۱۲۹۸ مستدعی از
آقایان این است که اگر خطا و لغزشی واقف شوند بذیل اغماض عفو بپوشانند
بجهة اینکه در دو سه روز معطل گشته در فرصت بیشتر و بهتر از این ممکن اگر ثانی طبع
آن شود تغییری در مطالب آن داده و با بعضی دیگر فرضه و بعضی زاید آن کم شود

الحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً